

جمهور و اعتماد
دوگانه، الزامی
است میان
نظام و نخبگان
سیاسی و عموم
مردم. نمی توان
نظام سیاسی
را در چارچوبی
ساختارگرایانه و در
نظمی تحمیلی و
بی روح اداره کرد
و از «دمکراسی
حقنه‌ای» سخن
گفت.

• روایت تحلیلی و تبیینی

روایت باید دارای یک نظام تحلیلی و سیاستی باشد که هنرمندانه و غیرمستقیم در متن گنجانده شده باشد و برخلاف روایت ژورنالیستی توصیف صرف نباشد. این روایت حتی مانند بسیاری از فعالیت‌های پژوهشی دانشگاهی نیست که در منظری اثبات‌گرایانه بی‌تحلیل و بی‌قضاوت و در نهایت بدون تجویز تولید می‌شوند! روایت‌های سیاسی نه هنر یک خبرنگار است و نه هنر یک استاد دانشگاه، بلکه مهارتی میانه آن دو است که هم ملاحظات ژورنالیستی را به کار می‌گیرد و هیجان و جذابیت رسانه‌ای را در نظر دارد و هم همچون رویکرد آکادمیک و دانشگاهی منظری تحلیلی دارد. روایت باید تبیینی دقیق و تحلیلی نظام‌مند از تحولات جمهوری باشد تا مردم را در تحولات اقناع کند.

• صراحت و صداقت

روایت باید صادقانه و صریح باشد. گاه روایت‌گر براساس برخی ملاحظات سیاسی و حتی شخصی مطلبی را سانسور و ابعادی را پنهان می‌کند و در ادامه مجبور می‌شود تحلیلی محتاطانه ارائه دهد، درحالی‌که اگر روایت صادقانه و منصفانه باشد، به تحلیل بی‌آب‌ورنگ نیازی نیست. روایت صادقانه جرئت تحلیل صریح و غیرمحافظه‌کارانه را به تحلیل‌گر می‌دهد و مخاطب را قانع می‌کند؛ چراکه صداقت در روایت به پذیرش و تأثر در مخاطب منجر می‌شود و آن زمان که وجود انصاف را ببیند، تحلیل را، هرچند تندوتیز به نظر رسد، منصفانه خواهد یافت. متأسفانه در بسیاری موارد به دلیل برخی ملاحظات خودساخته و تصنعی، خبر ناقص و روایت غیرصادقانه مطرح می‌شود و تحلیلی بی‌خاصیت ارائه می‌شود، به همین دلیل، مخاطب نه خبر را می‌پذیرد، نه تحلیل را عمیق و دقیق می‌یابد! که به تعبیر امیرمؤمنان (ع) «التَّجَاهُ فِي الصِّدْقِ».

• روایت داستانی

روایت تلاش می‌کند یک واقعه سیاسی خشن و بی‌روح را در کالبد جزئیات شخصی و ویژگی‌های فردی افراد و حوادث به ظاهر کمتر مهم، در قالب داستانی سیاسی با جاذبه‌ای خاص ارائه دهد. این ویژگی همان جاذبه‌ای است که هم‌نشینی روایت جمهور و جمهوری را ممکن می‌سازد.

موانع روایت

بی‌روایتی، کم‌روایتی و ضعف در روایت را عوامل و موانعی است:

• کم‌اهمیتی جایگاه روایت و افکار عمومی

متأسفانه اهمیت و جایگاه افکار عمومی در جمهوریت در مواردی نادیده گرفته می‌شود و همین امر به نادیده انگاشتن افکار عمومی منجر خواهد شد. البته جبر زمانه و توسعه رسانه‌های مجازی غیررسمی، تحمیلی را حاصل کرد که مانع بی‌روایتی است؛ به عنوان مثال، در تحولات و اعتراضات سیاسی اجتماعی دهه